



[20.1001.1.22286713.1401.14.53.1.1](https://doi.org/10.1001.1.22286713.1401.14.53.1.1)

الخامیادو؛ خاستگاه، علل پیدایش، تحولات و جایگاه میراثی آن^۱

مینا توانا^۲

سید احمد رضا خضری^۳

چکیده: «الخامیادو» یک شگرد زبانی است که مدجن‌ها و موریسک‌ها (واپسین مسلمانان اندلس) پس از بازپس‌گیری آن سرزمین توسط مسیحیان، برای برقراری ارتباطات مخفیانه میان هم‌کیشان و پاسداری از میراث فرهنگی و علمی خود به کار می‌گرفتند. این پژوهش بر آن است تا با استفاده از رویکرد توصیفی- تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع و شواهد موجود، در گام نخست چیستی، ویژگی‌ها و خاستگاه الخامیادو را بررسی کرده و در گام دوم نقش این شوۀ زبانی را در پاسداشت میراث علمی و فرهنگی مسلمانان بیان نماید و به پرسش‌هایی که درباره علل پیدایش، ارزش علمی و عوامل فراز و فرود این ادبیات وجود دارد، پاسخ گوید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که الخامیادو برگرفته از واژه عربی «الاعجمیه» و یا «الجامعه»، در دوره مدجن‌ها ابداع شده و استفاده از آن هم‌زمان با افزایش ساختگیری بر مسلمانان گسترش یافته و در دوره موریسک‌ها به اوج رسیده و آثار قابل توجهی پدید آورده و پس از اخراج مسلمانان از اندلس (۱۰۱۸-۱۶۰۹ق/۱۴۱۶-۱۶۰۹م)، در میان هاله‌ای از ابهام از میان رفته است.

واژه‌های کلیدی: اندلس، الخامیادو، مدجن‌ها، موریسک‌ها، طغری، الاعجمیه، الجامعه

۱ این مقاله مستخرج از رساله دکتری مینا توانا به راهنمایی دکتر سید احمد رضا خضری است.

۲ دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) m.tavana@ut.ac.ir

۳ استاد تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران akhezri@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۷ تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۳/۰۲



Aljamiado: the Origin, Causes of Emergence, its Developments and Heritage Status

Mina Tavana[†]

Seyyed Ahmad Reza Khezri[†]

Abstract: Aljamiado is a language trick used by the Mudejars and Moriscos (the last Andalusian Muslims) after the re-conquest of the Andalus by the Christians, to communicate secretly among their coreligionists and to protect their cultural and scientific heritage. This research intends to use descriptive-analytical method and using the available resources and evidence in the first step, to examine the nature, characteristics and origin of Aljamiado, and in the second step to clarify the role of this linguistic method in preserving the scientific and cultural heritage of Muslims. It also answers questions about the origins, scientific value, and rising and falling of this language. Findings show that Aljamiado, derived from the Arabic word al-A'jamīya or Aljamī'a, was invented during the Mudejars period and its use expanded with increasing strictness on Muslims and reached its peak during the Moriscos period, and caused significant effects. After the expulsion of Muslims from Andalusia (1018-1023 AH/1609-1614 AD), it disappeared and left much ambiguity.

Keywords: Andalusia, Aljamiado, Mudejars, Moriscos, Tağarı, Aljamia, Aljama

[†] PhD Student of History and Civilization of Islamic Nations, University of Tehran, Tehran, Iran
(Corresponding Author) m.tavana@ut.ac.ir

[†] Professor, History and Civilization of Islamic Nations, University of Tehran, Tehran, Iran
akhezri@ut.ac.ir

مقدمه

پیش از پرداختن به موضوع اصلی، لازم است برخی از واژه‌ها و مفاهیم مهم به اختصار مورد بررسی قرار گیرد. واژه‌هایی چون مدرجّن^۱، طغری^۲(ثغری) و موریسک^۳ که با توجه به شرایط زمانی - مکانی در اسپانیای مسیحی برای تمایز میان مسلمانان باقی مانده، تحت حاکمیت مسیحی به وجود آمدند.

بازپس‌گیری اندلس فرایندی تدریجی بود و شهرهای اسلامی به یکباره تحت حاکمیت مسیحیان در نیامدند. میان اولین استرداد، کوفادونجا^۴ در سال ۱۰۳۲ق/۷۲۲م. تا غرناطه،^۵ آخرین پایگاه مسلمانان در اندلس، حدود هفت قرن فاصله است (Cebrián, 2003: 33, 36, 45). در این میان، شهرها یکی پس از دیگری از سیطره مسلمانان خارج می‌شدند. پیش از سقوط کامل حکومت مسلمانان در اندلس (۱۴۹۲ق/۸۹۷م)، مسلمانان ساکن در هر یک از شهرها که تحت تسلط پادشاهی اسپانیا در می‌آمدند، اصطلاحاً «مودخار» یا مدرجّن نامیده می‌شدند. مدرجّن‌ها می‌توانستند زبان، فرهنگ و مذهب خود را به عنوان یک جامعه در اقلیت، حفظ کنند (همتی گلیان، ۱۳۸۹: ۱۷-۱۹)،^۶ اما گاه با گذشت زمان، به ویژه در مناطق مرزی اسپانیا، فرهنگ مدرجّن‌های تحت سلطه در فرهنگ اکثریت میزان مستحیل می‌شد و به عنوان یکی از نشانگان استحاله فرهنگی، زبان مبدأ خود را از دست می‌دادند و به اصطلاح تکزبانه می‌شدند. این مدرجّن‌های تکزبانه را «طغری»^۷ نام

^۱ Mudejar

^۲ Tagarí

^۳ Morisco

^۴ Covadonga مسلمانان اسامی آن دسته از شهرهای اسپانیا را که به «ا» ختم می‌شدند، به دو صورت معرب می‌کردند. گاهی به صورت «الف» و گاهی به صورت «های» غیر ملفوظ. مثلاً برشلونه و برشلونا برای بارسلونا، یا بمبئونه را برای پامپلونا. البته به نظر می‌رسد کوبادونگا اساساً اسپانیولی نبوده و شاید ریشه در زبان باسکی داشته است. با این همه، عرب‌ها آن را به دو صورت کوفادونجا، کوفادونجه یا کوبادونجه و کوبادونجا به کار می‌برده‌اند. این نام گویا در منابع عربی به کار نرفته، اما در آثار متاخر آمده است.

^۵ Granada

^۶ عبدالله همتی گلیان (۱۳۸۹ش)، مدرجّن، پژوهشی در تقابل و تعامل اسلام و مسیحیت در اسپانیا، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

^۷ طغرين‌ها يا همان ثغری‌ها مسلمانانی بودند که در پادشاهی‌های مسیحی مرزی مانند آراغون يا والنسيا زندگی می‌کردند و به زبان‌های رومی و بومی با تسلط بسیار سخن می‌گفتند؛ بهطوری که به سختی از مسیحیان تمایز

نهادند تا از سایر مدجن‌ها متمایز شوند.^۱ همین استحاله زنگ خطری بود برای علماء، فقهاء و نخبگان دغدغه‌مند مدجن تا به نحوی از فراموشی زبان عربی که زبان قرآن و از مظاهر مسلمانی است، جلوگیری کنند (Epalza, 1992: 50- 51؛ 54)؛ که یکی از راهبردها، ابداع و به کارگیری نوع خاصی از زبان مخفیانه با نام الخامیادو بود تا علاوه بر ایجاد ارتباط میان هم‌کیشان هم‌عصر، بتواند اهداف ویژه مدّ نظر را نیز دنبال کند.

پس از فرمان یکسان‌سازی دینی و تفتیش عقاید در مناطق مختلف اسپانیا -که ابلاغ و اجرای آن در پادشاهی‌های مختلف یکسان نبود-^۲ و اجبار مسلمانان باقیمانده به تغییر دین، با تغییر تعابیر «مدجن» و «طفری» به واژه «موریسک» موافق می‌شویم. موریسک‌ها علاوه بر زبان و مذهب، سایر تظاهرات فرهنگی-اجتماعی خاص خود را نیز باید به ورطه فراموشی می‌سپردند (Harvey, 2005: 46). استفاده از زبان مخفیانه الخامیادو برای نگارش متون و حفظ ارتباط مخفیانه، در دوره موریسک‌ها نیز ادامه داشت و نسخ خطی بر جای مانده نشان دهنده میزان اقبال آنان به این سبک خاص از نگارش متون بوده است.

درباره این متون خطی بر جای مانده انبوی از پژوهش‌های مختلف به صورت موردي یا کلی توسط پژوهشگران غربی، به‌ویژه اسپانیایی‌زبان صورت گرفته است؛ تا جایی که برخی از آنها به متخصصان بنامی در این حوزه تبدیل شده‌اند که در این مقاله مهم‌ترین آنها معرفی شده و آثارشان مورد استفاده قرار گرفته است. البته بحق پیش‌قراؤلان متخصص در این موضوع را می‌توان فهرست‌نویسان این متون به شمار آورد که امکان تحقیق و بررسی متون الخامیادو را برای سایر محققان فراهم

۱ می‌شندند (ن.ک. به: *Lexico, Tagarino*, 1992: 55, 226; *Vélez de RAE, "Tagarino, Na"*; Epalza, 2010: 127).

۲ البته عامل موقعیت جغرافیایی در کاربرد این واژه نقش اساسی دارد. در حالی که در شمال اسپانیا مسلمانان باقیمانده کاستیل و آراغون تقریباً تک‌زبانه بودند، در بخش‌های جنوبی برخی والنسیایی‌ها عربی اندلسی را تا زمان اخراج، یعنی ۱۶۱۴-۱۶۰۹ق/۱۰۲۳-۱۰۱۸م. نه تنها حفظ کرده بودند، بلکه در معاملات و محاورات روزانه نیز از آن بهره می‌گرفتند.

۳ فرمان تغییر دین و اجرای آن، نخست از پادشاهی کاستیل آغاز شد (۱۵۰۰-۱۵۰۲م)؛ پس از آن سرزمین‌های نواحی آراغون شامل کاتالونیا، آراغون و والنسیا (۱۵۲۳-۱۵۲۶م) (ن.ک. به: Harvey, 2005: 14, 21- 22).

آورده‌اند؛ مانند «ادواردو سابدرا موراگاس»^۱ که در سال ۱۸۸۹م. کتابی با عنوان فهرست عمومی ادبیات الخامیادا نگاشت. یا فهرست نسخ خطی عربی موجود در کتابخانه ملی مادرید که توسط گلین روبلز (۱۸۸۹) گردآوری شده است.^۲ اثر «گالمس دی فوئنس» با عنوان دست‌نوشته‌های الخامیادو- موریسکی کتابخانه آکادمی سلطنتی تاریخ (میراث پاسکوال گایانگوس) نوشته شده در سال ۱۹۹۸م.^۳ و نیز فهرست تهیه شده خولیان ریبرا و میگل آسین در سال ۱۹۱۲م. با عنوان نسخه‌های خطی عربی و الخامیادوی کتابخانه دلا خونتا^۴ و فهارسی از این دست (ن. ک. به: ادامه مقاله)؛ که از همه آنها در نگارش این مقاله بهره گرفته شده است. به هر روی، از آنجا که بیشتر وقایع و اتفاقات مربوط به این عصر و مکان از تاریخ اسلام، توسط فاتحان مسیحی ثبت و ضبط شده، برای مورخان و محققان مسلمان بررسی دقیق این متون به جای مانده در بازیابی و بازشناسی نقاط تاریک تاریخی در غرب جهان اسلام پس از شکست کامل مسلمانان و تسليم مناطق اسلامی اندلس، بسیار ضروری به نظر می‌رسد. هرچند ظاهراً به سبب دشواری روند پژوهش در این حوزه، موضوع متون الخامیادو تاکنون به‌طور مستقل مورد بررسی محققان داخلی قرار نگرفته و تقریباً هیچ پژوهش مستقل داخلی به این موضوع اختصاص نیافرته است. مقاله «مدجّنان و موریسکوها در فرهنگ اسپانیا»^۵ از محدود تحقیقات و پژوهش‌های داخلی در این زمینه است که در آن نقش متون الخامیادو در انتقال میراث فرهنگی مسلمانان به غرب مورد مذاقه قرار گرفته است؛ هرچند در این اثر نیز جای مراجعه به منابع اصیل به زبان اسپانیایی و متون الخامیادو خالی است.

^۱ Eduardo Saavedra Moragas (1889), “Índice General de la Literatura Aljamiada”, *Memorias de la Real Academia Española*, vol.6, pp.140-328.

^۲ Francisco Guillén Robles (1889), *Catálogo de los Manuscritos Árabes Existentes en la Biblioteca Nacional de Madrid*, Madrid: Manuel Tello.

^۳ Á. G. D. Fuentes (1998), *Los Manuscritos Aljamiado-Moriscos de la Biblioteca de la Real Academia de la Historia: (Legado Pascual de Gayangos)*, Real Academia de la Historia.

^۴ Julián Ribera y Miguel Asín (1912), *Manuscritos Árabes y Aljamiados de la Biblioteca de la Junta*, Madrid: Maestre.

^۵ عبدالله همتی گلیان (بهار ۱۳۸۳)، «مدجّنان و موریسکوها در فرهنگ اسپانیا»، مجله مطالعات اسلامی، ش ۶۳ صص ۱۸۷-۲۱۴.

پژوهش حاضر بر آن است تا با استفاده از رویکرد توصیفی - تحلیلی و با ردگیری نسخ خطی بر جای مانده و منابع و مأخذ موجود کتابخانه‌ای، سیر تطور و فراز و فرود این ادبیات خاص را از آغاز تا انجام، از نظر زبانی، آماری و محتوایی با نگاه بر جامعه مخاطب، در دوره پس از استرداد مسیحی تا اخراج کامل مسلمانان از اسپانیا مورد بررسی قرار دهد. در این مقاله دیدگاه جدیدی از ریشه‌شناسی واژه‌الخامیادو ارائه شده و نشان داده شده است که این متون اسلامی توسط مدجن‌ها ابداع شدند، اما کاربرد آنها در موضوعات مختلف در دوره موریسکی، پیش از اخراج، به اوچ رسید.

الخامیادو (الجامیادو)^۱

الخامیادو آن دسته از نوشته‌هایی است که به یکی از زبان‌های رومنس^۲ از جمله کاستیلی و با استفاده از حروف زبان عربی نگاشته شده و به عنوان میراثی از دوره مدجن‌ها، طغیان‌ها و موریسک‌ها بر جای مانده است. بیشتر این دست نوشته‌ها که نوعی ادبیات خاص زیرزمینی است، به جز تعداد محدودی که در قرون شانزدهم و هفدهم میلادی به دست آمدند، خصوصیات مبهم و رازآلود خود را به خوبی حفظ کردن؛ تا اینکه از حدود قرن نوزدهم میلادی در مناطق مختلف اسپانیا و حتی خارج از آن به تدریج کشف شدند و تقریباً از همان زمان به همت دانشمندان و فهرست‌نویسانی چون پاسکوال د گایانگوس^۳، ادواردو سابردا^۴، فرانسیسکو گیلن روبلز^۵، پابلو خیل^۶، خولیان ریبرا و میگل آسین پالاسیو^۷، منذر پیدال^۸، گالمس د

^۱ در زبان اسپانیایی حرف «J» انگلیسی به صورت «خ» تلفظ می‌شود. بنابراین واژه‌هایی از عربی که شامل حرف «ج» بوده‌اند، در آوانگاری به اسپانیایی با همان حرف «J» یا اصطلاحاً «Jota» (خوتا) نگاشته می‌شود، اما هنگام خواندن «ج» تلفظ می‌شود. از این رو، الخامیادو در اسپانیایی الخامیادو خوانده می‌شود و با همین نام نیز شهره شده است.

^۲ زبان‌های رومنس/ رومانی براساس تعریف دانشناسه‌المعارف بریتانیکا ("Encyclopedia Britannica," romance)، گروهی از زبان‌های مرتبط‌اند که همگی از لاتین و لگاری در دوران تاریخی آن مشتق شده‌اند و زیرگروهی از شاخه ایتالیایی خانواده زبان‌های هندواروپایی را تشکیل می‌دهند. زبان‌های اصلی این خانواده شامل فرانسوی، ایتالیایی، اسپانیایی، پرتغالی و رومانیایی است.

^۳ Pascual de Gayangos

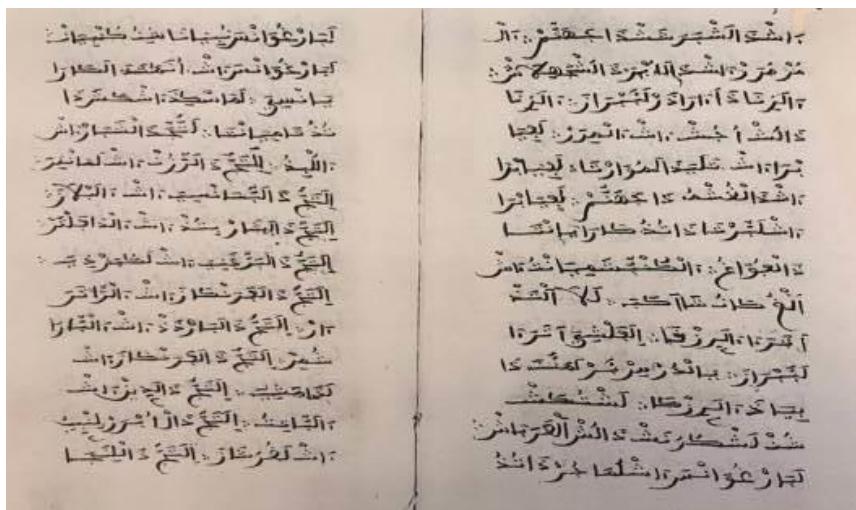
^۴ Eduardo Saavedra

^۵ Francisco Guillén Robles

^۶ Pablo Gil

فوئنس^۲ و غیره کم کم رازهای پنهان و خاص مربوط به آنها مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است (Castilla, 2019: 112).

شکل شماره ۱. نمونه‌ای از یک متن الخامبيادو. برگرفته از نسخه Ms. 5354^۳ محل نگهداری: کتابخانه کاستیا لمانچا در طليطله. عکس: از نویسنده



در تمامی این متون باقیمانده به زبان الخامبيادو، با نوعی سیستم نوشتاری با قرارداد یکسان مواجه‌ایم که طی سه قرن از زمان تولید و گسترش، یعنی حداقل از قرن چهاردهم تا هفدهم، به صورت منسجم سبک خود را حفظ کردند (Castilla, 2019: 111).

جدول شماره ۱. الفبای الخامبيادو

$z = j$	$r = r$	$d = \dot{z}$	$d = d$	$ch = \dot{x}$	$h = \dot{h}$	$ch = \dot{c}$	$t = \dot{\theta}$	$t = t$	$b = b$	$h = \dot{h}$
$q = k$	$q = q$	$f = \dot{f}$	$f = f$	$gue = \dot{g}$	$h = \dot{u}$	$d = \dot{d}$	$t = \dot{t}$	$d = \dot{d}$	$\zeta/s = \dot{s}$	$s/x = \dot{s}$
$a = \dot{a}$	$e = \dot{e}$	$i = \dot{i}$	$o = \dot{o}$	$u = \dot{u}$	$y = \dot{y}$	$gue = \dot{w}$	$h = \dot{h}$	$n = \dot{n}$	$m = \dot{m}$	$l = \dot{l}$

^۱ Julián Ribera y Miguel Asín Palacio

^۲ Menéndez Pidal

^۳ Galmés de Fuentes

^۴ Biblioteca de Castilla- la Mancha en Toledo

برای نمونه، نحوه کاربرد الفبای خامیادو:

الجهاد = alchihed **ذاتُهُ = de todo = de todo**

hacer = عَسَارٌ **mensajero** = مَانْشَحَارُ

اینکه آیا الخامیادو تنها یک زبان نوشتاری بوده و یا کاربرد گفتاری و محاوره‌ای هم داشته (با توجه به برخی شواهد مكتوب به دست آمده)،^۱ به سبب دشواری پژوهش در این باره، در ابهام باقی مانده است. به هر روی، در این مقاله بر کاربرد نوشتاری زبان الخامیادو تأکید شده است.

واژه‌شناسی الخامپادو

قریب به اتفاق پژوهشگران غربی و نیز عرب زبان، واژه **الخامیادو** را تحریف واژه «الاعجمیه» به معنای «زبان غیر عربی» دانسته اند و این گونه استدلال کرده اند: «بدان سبب که عین در زبان لاتین وجود ندارد و همین طور همزه وسط؛ پس به ناچار الاعجمیه را الجمی گویند و الجمی را به سکون لام می گویند. اسپانیایی ها جیم را خاء به زبان غلیظ تلفظ می کنند، پس به آن علامت نسبت را اضافه کردند و آن **الخامیادو** شد و این گونه رواج یافته است» (بوکیل، ۱۴۳۸: ۱۰۱؛ Chejne, 1983: 37). با این همه، با احتجاج به دلایل زیر به نظر می رسد واژه **الخامیادو / الجامیادو** (Aljamia) و صفت نسبی مأخوذه از واژه «Aljama» با «Aljamia» (الجامعه) است:

الف. کاربرد معنایی و شیاهت واژگانی

در نخستین نسخه دیکشنری آکادمی رئال اسپانیا^۱ که در بازه زمانی ۱۷۲۶-۱۷۳۹ م. م.

^۱ برای نمونه، در کتاب *Tirant lo Blanc* که الهام‌بخش سروانس در خلق دن کیشوت بوده و در سال ۱۴۹۰ م. توسط *Joanot Martorell* نوشته شده، آمده است:

“Por mi fe, señor, en compañía de aquellas moras viene una donzella muy graciosa que habla muy bien el aljamía y con mucha gracia, y si vuestra señoría me quisiese hacer tanta merced que, aunque yo no lo tenga servido, que como toméys la ciudad la hagáys hacer cristiana y me la deys por muger.”

«قربان، من ایمان دارم که به همراه آن باتوان مور (مسلمان)، یک دوشیزه سپیار جذاب می‌اید که به‌خاطر اینها بسیار خوب و با طلاق افت سخن. من گویید و اگر اعلیحضرت خواهد چنان لطفه، به من نیامد، هر چند شاسته آن نباشد.»

وقت، که شیر، اگفتند او را به مساحت داده و به همس پیمودند، آنها بیان کردند: «این بسته بود که شیر را درین شرایط بخواست» (Martorell, 1974: IV/172).

Real Academia Española (RAE).

به چاپ رسیده، در توصیف واژه Aljama (الخاما/ الجاما) چنین آورده شده است: «جامعه مسلمانان؛ محله مسلمانان و مسجد در قرون وسطی [مسجد جامع]»^۱ (RAE, “Aljama”); همچنین واژه Aljamia (الخامیا/ الجامیا) را زبان ساکنان مسلمان در همان دوره (RAE, “Aljamía”) و نیز Aljamiado (الخامیادو/ الجامیادو) را به زبان الخامیا سخن گفتن یا نوشته به زبان الخامیا (RAE, “Aljamiado/da”) برشمرده است. به این ترتیب، همان طور که پیداست از نظر معنای لغوی ارتباط تنگاتنگی میان واژه‌های «الخاما»، «الخامیا» و «الخامیادو» وجود دارد. نه تنها از لحاظ معنا، بلکه به لحاظ ظاهر واژه‌ها نیز - همان‌گونه که در زیر نشان داده شده - استتفاق واژه «الخامیادو» از واژه «الخامیا» و بالطبع «الخاما» را می‌توان متصور بود.

Aljama----->Aljamia----->Aljamiado

متون الخامیادو > زبان الخامیا > -الخامیا (نهاد الجامعه)

الف. برخاستن الخامیادو از دل نهاد الجامعه

بنا بر تبعات، به نظر می‌رسد که نهاد الخامیا یا همان الجاما (الجامعه) در میان مدجن‌های آراگون شکل گرفته باشد (ر.ک. به: Ms. Res. 245; Ms J-89; Cervera^۲, 1989: 366). هدف از تشکیل این شورا یا نهاد این بود که با ایجاد همبستگی سازمانی در میان افراد مسلمان در اقلیت و تحت انتقاد باقیمانده، امید به فتح مجدد، تلاش برای بازپس‌گیری سرزمین‌های از دست رفته و در نهایت، خروج از وضع موجود را رقم بزنند. براساس پژوهش‌های به عمل آمده، نخستین متون الخامیادوی نگارش یافته از میان همین نهاد الجامعه در آراگون برخاسته است (ن.ک. به: ادامه مقاله).

ب. اهداف تولید متون الخامیادو

هر چند مدجن‌ها هنوز در جامعه به عنوان مسلمان شناخته می‌شدند و با وجود پذیرش برتری سیاسی - اجتماعی مسیحیان، بنیان‌های مسلمانی خود را حفظ

^۱ همین واژه (الخامیا/ الجاما) به عنوان جامعه، محله و کنیسه یهودیان در همان دوران هم به کار می‌رفته است.

^۲ Cervera Fras, M. J. (1989), “Mudéjares y moriscos en la sociedad aragonesa”, *Historia de Aragón (Economía y sociedad)*, Vol. 2, pp. 363-370.

می کردند، اما همان طور که پیشتر گفته شد، مدرجّهای مناطق مرزی تقریباً زبان اصلی خود را به فراموشی سپرده بودند و به زبان بومیان منطقه صحبت می کردند.
(Fertin, 2016: 18).

از آنجا که یکی از نشانههای پویایی و حیات یک جامعه، داشتن زبان مشترک و خاص آن جامعه است، به نظر می رسد از جمله عواملی که سبب شد الخامیادو پدید آید، این بود که این زبان برای آن دسته از مسلمانانی که زبان اصلی و مذهبی خود را فراموش کرده بودند، به عنوان رابطی میان زبان عربی و اسپانیایی عمل می کرد (Bejarano, 2015: 19). از سوی دیگر، ابداع و به کارگیری زبان الخامیادو به عنوان زبان ویژه یک جامعه هرچند کوچک و در اقلیت، نشان دهنده انسجام خواهی و تمایز طلبی افراد آن اقلیت است. با این وصف، از میان نخبگان نهاد الجامعه بود که سبک نوشتاری خاص برای فعالیت‌های مرتبط با نهاد (مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و نیز سیاسی) با نام الخامیادو (جامعه‌ای) شکل گرفت، رشد و توسعه پیدا کرد و بعدها توسط موریسک‌ها نیز به کار گرفته شد (Rueter, 2016: 694).

ج. عدم تناسب اهداف تولید متون با بار تحریرآمیز واژه‌الاعجمیه

همان‌گونه که «اولیور فرتین»^۱ متخصص جامعه‌شناسی زبان و مطالعات اسپانیایی^۲ اشاره کرده، پدیده الخامیادو ثمرة یک جامعه است. آن هم ثمرة اقلیت تحصیل کرده درون آن جامعه که متن‌هایی را نه از روی علاقه به هنر، بلکه با هدفی دقیق که بر فرایندهای تولید آن اثر می گذارد، تولید کرده است (Fertin, 2016: 12, 26). از این رو، با توجه به اهداف تولید متون الخامیادو که پیشتر گفته شد، به نظر نمی رسد نخبگان مودخار واژه عجم و اعجمیه را که همواره در میان مسلمانان نوعی بار تحریرآمیز داشته، برای توصیف تولیدات هدفمند و البته استقلال‌طلبانه خود به کار برده باشند!

د. کاربرد واژه‌الخامیادو توسط خود مدرجّهای و موریسک‌ها

در زیر به چند نمونه استفاده از واژه‌الخامیادو در متون بر جای مانده از

^۱ Olivier Fertin.

^۲ Hispanic Studies.

دوران مورد بحث، یعنی دوران مدجنی و موریسکی اشاره می‌شود که نشان دهنده این است که این واژه‌ها از همان دوره تولید کاربرد داشته‌اند: گویا نخستین بار این واژه در معنای خاص خود در قسمت سیدیان^۱ از تاریخ اسپانیا^۲ به کار رفته است (Fertin, 2016: 2). نیز در بیت شماره ۱۲۹۳ از شعر آلفونسو اونسنو^۳ که در اواسط قرن چهارده سروده شده آمده: «اسلحه‌داران گفتند:

آیا عربیا / عربیه [عربی] را خوب می‌دانید؟
اگر اطمینان دارید خوب می‌دانید،
آن را به الخامنیا برگردانید»

“Dixieron los escuderos:
Sabedes bien la araúia^۴?
Sodes bien uerdaderos
De tornarla en aljamía.”^۵

یا در نسخه کشف شده دیگری مربوط به قرن شانزدهم به شماره کد (Ms. 5252) که در کتابخانه ملی اسپانیا در مادرید نگهداری می‌شود، آمده است:

“Muchos amigos míos de mí trabaron y especialmente me rogaron
que de arabí sacase en el aljamí [...]”

«بسیاری از دوستانم ملتمنانه و با اصرار از من خواسته‌اند که [آن را] از عربی به الخامنیا برگردانم [...]»

^۱ Cidiana

^۲ کتاب تاریخ اسپانیا به ابتکار و فرمان آلفونسو دهم (متوفی ۱۲۸۴) و توسط شماری از مورخان در قرن سیزدهم میلادی نوشته شده و اولین تاریخ عمومی اسپانیا به زبان اسپانیولی کهنه است که پس از سلطه مسلمانان به نگارش درآمد. کتاب بارها تصحیح و چاپ شده که یکی از مشهور ترین آنها چاپ رامون منذر پیدال (Ramón Menéndez Pidal) و دیگری تصحیح و چاپ دیگو کاتالان (Diego Catalán) است.

^۳ El Poema de Alfonso Onceno

^۴ در برخی متون کهنه اسپانیایی حرف «v» (یا همان صدای «ب» در زبان اسپانیولی) را با حرف «u» نشان می‌داده‌اند.

^۵ این شعر به زبان کاستیلی باستانی (دوره قرون وسطی) است.

و یا در برگه شماره ۲۱۸ از متن دیگری که در قرن شانزدهم نگارش شده (Ms. B (Est. p. tab. V, n°2), ff^۱: 218)

“Aqui comienza dichos sacados de arábigo en aljamía”

در اینجا سخنای آغاز می‌شود که از عربی به الخامیا برگردانده شده است.^۲ از متون دیگری که واژه الخامیادو با معنای اصلی خود در آن به کار رفته، کتاب مشهور دن کیشو^۳ اثر سروانتس^۴ است:

“[...] con carácteres que conocí ser arábigos y puesto que aunque los conocía no los sabía leer, anduve mirando si parecía por allí algún morisco aljamiado que los leyese [...]” (Cervantes, vol.1, Capítulo IX).

«[...] دیدم که خط آن عربی است و چون من خط عربی را با آنکه تشخیص داده بودم نمی‌توانستم بخوانم به هر سو نظر انداختم تا شاید موریسکوی الخامیادو که بتواند آن خط را برای من بخواند ببینم [...]».

به هر روی، برخی شواهد ارائه شده از متون بر جای مانده در دوره مورد بررسی که به صورت مشخص واژه «الخامیا» یا «الخامیادو» را در خود داشته‌اند، به خوبی می‌توانند نشان‌گر این موضوع باشد که نه تنها پدیده الخامیادونگاری و به کارگیری زبان الخامیا –یعنی شگرد زبانی ابداعی نخبگان جامعه مودخار که با هدف حفظ و احیای زبان مذهبی و نیز اعلام استقلال طلبی و انسجام خواهی پدید آمد– هم در میان استفاده کنندگان و مخاطبان این سیستم و هم در میان اجتماعات ناهمگون آن عصر (میثیان) مورد شناخت و البته پذیرش قرار گرفته بود، بلکه خود واژه «الخامیادو» نیز توسط مبدعان این زبان و همزنمان با تولید آن به وجود آمده بود و به کار گرفته می‌شد، نه سال‌ها بعد از آن و توسط محققان متون الخامیادو.

هر چند در برخی متون به دست آمده، تحریفی از لغت Aljami (الخمی) به صورت Ajami (اخمی / اجمی)، یعنی حذف حرف «ل» به چشم می‌خورد که از نظر

۱ مخفف folio در اسپانیایی به معنای برگه.

۲ Don Quijote

۳ Cervantes

ظاهر لغوی با واژه «عجمی» مطابقت بیشتری دارد؛ همان‌گونه که در نوشته بر جای مانده از موریسکی در قرن شانزده چنین آمده است (MS. 1. 880):

“Sacada de arabí en ajamí”:

«بر گرفته از عربی در اخمي / عجمي [الخامى!]»

دست نوشته حاوی این عبارت در سال ۱۵۶۹ م. و به زبان الخامیادو نسخ شده و در کتابخانه «سن لورنزو اسکوریال»^۱ نگهداری می‌شود. به نظر می‌رسد چنین تحریفاتی سبب شده است تا نظریه «اشتقاق لغت الخامیادو از الاعجمیه» شکل گیرد.

هـ آوانگاری در نگارش الخامیادو

این نکته را که نگارش الخامیادو در واقع آوانگاری^۲ با حروف عربی از زبان کاستیلی است، نباید از نظر دور داشت؛ زیرا در الفبای کاربردی نگارش متون الخامیادو، برای هر صامت و مصوت موجود در زبان عربی، حرف یا علامتی اختصاص داده شده است و همان‌طور که در شواهد متون الخامیادو -که پیشتر آمد- شاهد آن بوده‌ایم، واژه «عربی» که شامل حرف «ع» است، به صورت «arabí» یا واژه‌های مشابه آن مانند «arabigo» به کار می‌رفته است. کاربرد «عين» در برخی از واژه‌های دیگر هم به چشم می‌خورد؛ مانند واژه «تفريع» که الخامیای آن را به صورت «tafría»^۳ می‌نگاشتند و در واقع، صدای عین را با حرف «a» آوانگاری می‌کردند (Ms. 4870). نمونه دیگری از این دست آوانگاری‌ها را می‌توان در واژه الصلاه (aççala) مشاهده کرد که به طور دقیق از عربی به الخامیادو آوانگاری شده است. در واقع، این شیوه از انتقال صامات‌ها و مصوت‌ها به‌ویژه برای آن دسته از مسلمانان تک‌زبانه و ناآشنا با زبان عربی که قصد داشتند عبارات قرآنی را به صورت صحیح و با حفظ شخصه‌های نحو عربی تلفظ کنند، ضروری به نظر می‌رسید. به هر روی، با توجه به شواهد ارائه شده، به نظر می‌رسد این فرضیه که چون در لاتین «عين» و «همزه» وجود نداشته، پس

۱ San Lorenzo de el Escorial

۲ Transliteration

۳ Alquiteb de la tafría» اشاره به کتاب التفریع فی فقه الإمام مالک بن أنس اثر جلاب بصری دارد که در میان موریسک‌ها رواج داشته و ترجمه‌ها و حاشیه‌نویسی‌هایی به زبان الخامیادو از آن به دست آمده است (برای نمونه ن.ک. به: کد 4870 Ms. که در کتابخانه ملی اسپانیا در مادرید نگهداری می‌شود).

به ناجاچار از واژه «الاعجمیه» حذف و تبدیل به «الجمیه» شده، محل تنافض باشد و بالمال با توجه به دلایلی که پیشتر آمد، چنین می‌نماید که این فرضیه که «الخامیادو از الجامعه» گرفته شده، نیز قابل طرح بوده و حتی بررسی‌های بیشتر ما را به سمت این نظر نیز سوق می‌دهد. از این رو، واژه *الخامیادو* که تاکنون گفته می‌شده از الاعجمیه گرفته شده، نیز در جای خود نیازمند بررسی و پیگیری بیشتر به نظر می‌رسد.

سیر تطور *الخامیادو*

تاکنون بیش از ۳۲۰ نسخه از متون *الخامیادو* به صورت کتاب، مجموعه برگه‌هایی با محتوای تفکیک شده و نیز تک برگ‌های مجلزا^۱ از مناطق مختلف اسپانیا و گاهی خارج از آن به دست آمده است.^۲ از شهرهای منطقه آراغون و کاستیل که در آنها نسخ *الخامیادو* یافت شده است، می‌توان به شهرهای لس بگاس^۳، خالون^۴، وربا^۵، آراندا^۶، کیلس^۷ و نیز آیتونا^۸ (در حال حاضر استان لریدا)^۹ اشاره کرد (Bejarano, 2015: 35).

بیشترین شمار نسخ کشفی مربوط به سال ۱۸۸۴ م. و زیرزمین خانه‌ای در دهکده الموناسید^{۱۰} در منطقه آراغون است که هنگام تخریب، نسخ *الخامیادو* و نیز ابزار نسخ و چاپ از آن به دست آمده است (Castilla, 2019: 89). در این مکان حدود ۱۴۰ نسخه یافت شد که بخشی از آنها کاملاً از بین رفته بود. حدود ۸۵ مورد باقیمانده این نسخ در کتابخانه توماس و نواواره^{۱۱} (با نام خونتا^{۱۲} (هیئت) جمع آوری شده است. نام و احتوای این نسخ با حمایت «هیئت گسترش مطالعات و تحقیقات

^۱ Folios

^۲ نظیر الجزایر، تونس، مغرب اقصی، ترکیه و غیره.

^۳ Las Vegas

^۴ Jalón

^۵ Huerva

^۶ Aranda

^۷ Queiles

^۸ Aytona

^۹ Lérida

^{۱۰} Almonacid

^{۱۱} Tomás y Navarra.

^{۱۲} De la Junta

علمی»^۱ و با کوشش خولیان ریبرا و آسین میگل^۲ فهرست شده و در اختیار پژوهشگران قرار گرفته است. رتبه دوم پرشمارترین نسخ کشفی در کتابخانه ملی اسپانیا در مادرید^۳ نگهداری می‌شوند که «ادواردو سابدرا موراگاس»^۴ و «گیلن روبلز»^۵ فهرست و محتوای آنها را جمع‌آوری و تعداد آنها را حدود ۱۳۵ نسخه برآورد کرده‌اند (Rodríguez, 1989: 1422-1427). کتابخانه آکادمی سلطنتی تاریخ در مادرید، در رتبه بعدی حدود ۵۵ مورد نسخه خطی را در خود جای داده که توسط سابدرا^۶ و «گالمس د فوئنس»^۷ فهرست شده است. سایر متون به دست آمده به صورت جمعی یا پراکنده در کتابخانه‌های مختلف اسپانیا و خارج از اسپانیا، مانند پاریس و الجزایر و غیره نگهداری می‌شوند (برای اطلاع از کد نسخه‌ها و کتابخانه‌های محل نگهداری آنها، ر. ک. به: Barletta y Bejarano, 2011).

برخی از متون، تاریخ کتابت یا نسخ را در خود دارند. برخی دیگر برای تعیین سن دقیق نیاز به بررسی متن و ارجاعات احتمالی دارند و برخی نیازمند بررسی دقیق‌تر باستان‌شناسی از قبیل تحلیل خصوصیات زبانی، نوع و جنس کاغذ، قلم و غیره می‌باشند که به تاریخ‌گذاری آن کمک شود و یا ترکیبی از اینها. برای نمونه، یکی از متون الخامیادوی کشف شده که در کتابخانه آکادمی سلطنتی تاریخ در مادرید نگهداری می‌شود، تفسیری از قرآن است با عنوان گنجی از یاقوت^۸ که ناسخ، تاریخ نسخ آن را - از روی کتاب اصلی متعلق به محمدبن محمدبن محمد المرابطی - سال ۱۱۹۴/۴۵۹ م ذکر کرده است (Ms. 4886). بنابراین تاریخ نگارش آن را باید اوایل قرن دوازده برشمرد. درواقع، اگر این اسناد به تنها‌ی در نظر گرفته شود، آغاز تولید متون الخامیادو را می‌توان تا ابتدای قرن دوازدهم و حتی زودتر از آن به عقب

^۱ Junta para la Ampliación de Estudios e Investigaciones Científicas.

^۲ Julián Ribera y Miguel Asín (1912).

^۳ Madrid, Biblioteca Nacional De España.

^۴ Saavedra Moragas (1889), 140-328; Ibid (1878), *Discursos Leídos Ante la Real Academia Española en la Recepción Pública del Excmo. Señor Eduardo Saavedra el 29 de Diciembre de 1878*, La Compañía de Impresores y Libreros, PP.104-138.

^۵ Francisco Guillén Robles (1889).

^۶ Saavedra Moragas (1878), PP.153-179.

^۷ Alvaro Galmés de Fuentes.

^۸ Tesoro de Jacintos.

برد؛^۱ هرچند بررسی‌های باستان‌شناسانه از نوع کاغذ به کار رفته، قلم و سایر عوامل مؤثر در تعیین سن منابع، تولید آن را بسیار متأخرتر از این تاریخ، یعنی قرن شانزدهم تخمین می‌زند (Barletta y Bejarano, 2011: "Ms. 4886")

در واقع، با توجه به برآورده شواهد به دست آمده از سایر متون کشف شده، اطمینان بیشتری برای شروع تولید متون الخامیادو از قرن چهاردهم و در منطقه آراغون وجود دارد؛ یعنی در زمان و مکانی که نه تنها تولید و نگهداری متون خاص مانند الخامیادو جرم به حساب نمی‌آمده، بلکه برای نگهداری متون به زبان عربی نیز مانع وجود نداشته است. البته در همین دوره نیز با سندی به زبان الخامیادو مواجه هستیم که ترجمه‌ای از حکم تفتیش عقاید یوسه^۲ از فقهاء مودخار اهل مولیناست که به موعظه و تشویق مسیحیان برای تغییر دین مشغول بوده است. گویا دادگاه یک نسخه رسمی از حکم وی را به خود متهم و یا به مقامات الخامی (الجامعه) مولینا ارائه کرده بود (برای مطالعه بیشتر درباره این حکم ر.ک. به: Labarta y Arenal, 1981: 131- 142

به هر روی، تولید متون در مرحله اولیه عمدتاً در آراغون و کاستیل و بعدتر تا جایی که ردگیری شده، در الجزایر، تونس و در سرزمین‌های عثمانی، در سالونیک^۳ و قسطنطینیه، در دوره موریسکوها و حتی پس از اخراج صورت می‌گرفته است (Epalza, 1992: 289, 339; Bernabé Pons, 2010: 27; Fertin, 2016: 14). نکته جالب توجه دیگری که از بررسی متون مکشوفه بر می‌آید این است که ردپای کاربرد واژه‌های آراغونی و کاستیلی در غالب نوشته‌های الخامیادو مورد استفاده

^۱ به نظر می‌رسد علاوه بر مودخارهای اسپانیا، دیگرانی نیز با اهدافی کم‌وبیش مشابه، شیوه تأثیف زبان رومی با الفبای عربی را به کار می‌بستند. از آن جمله نویسانان تحت تسلط سلاجقة آتابولی (حک: ۱۰۷۷- ۱۳۰۷ م) را می‌توان برشمرد که از این شیوه به خصوص به منظور آشنایی با کتابت عربی و بالمال کسب توانایی قرائت قرآن بهره می‌گرفتند. همچنین یهودیان هم‌عصر مودخارها پیش از اخراج، زبان عربی را با حروف عربی می‌نگاشتند که آنها هم الخامیادو نامیده می‌شدند. صرب و کروات‌های تحت تسلط عثمانیان نیز متونی را با نام الیامیدو/العامیدو تولید می‌کردند که گویا اشتراقی از همین واژه‌الخامیادو بوده است (ن.ک. به: متقی، ۱۳۹۵ش: ۳۴۷، ۳۴۹). به هر روی، به نظر می‌رسد این متون تولید شده که عناوینی مشابه واژه‌الخامیادو نیز دارند، پس از متون مودخاری مورد بحث در این مقاله تولید شده‌اند. به عبارتی پیش‌قرابلان تولید متون زبان رومنس با حروف عربی، همان مودخارهای آراغونی بوده‌اند. هر چند این مساله در جای خود نیازمند پژوهش دیگری است.

^۲ Yuce de la Vasía.

^۳ شهری در یونان: Thessaloniki.

Moriscos ha niz dide moshod (Labarta y Arenal, 1981: 231; Rodríguez, 1989: 118-119 Castilla, 2019: 1434; 1989: 1434)؛ به طوری که «گالمیس فوئنس» زبان‌شناس زبان‌های رومنس، عربی و الخامیادو، وجود سه عنصر را در همهٔ متون الخامیادو مشترک عنوان کرده است: «آراگونیسمی، باستان‌گرایی و زبان عربی»؛ که این سه مشخصه مشترک در متون الخامیادو، به احترام تحقیقات وی به «مثلاً گالمیسی» شهرت یافته است (ن.ک. به: 2016: Fertin). بنابراین نقش آراگون در تولید متون الخامیادو در تمام دوران مورد بررسی از قرن چهاردهم تا هفدهم غیرقابل چشم‌پوشی است. درواقع، نه تنها آراگون همان‌طور که رودریگز به نقل از اپالزا اشاره کرده: «سرزمینی با بیشترین تولید متون الخامیادو به دلیل موقعیت اجتماعی زبانی منحصر به فردش در آغاز قرن شانزدهم» است، بلکه در میانه و انتهای آن قرن نیز قرار دارد (Rodríguez, 1989: 1438). البته همان‌گونه که پیشتر آمد، به رغم نظر اپالزا، تاریخ آغاز تولید متون الخامیادو را به طور قطع می‌توان تا قرن چهاردهم به عقب برد^۱ و نیز تاریخ پایان آن را حداقل پایان قرن هفدهم دانست.^۲

برخی از پژوهشگران تلاش‌های «یسی د. سگویا»^۳ نخستین مترجم قرآن به زبان لاتین و نویسنده کتاب خلاصه سنت^۴ را از عوامل مؤثر و الگوساز برای علمای مددجنه دغدغه‌مند در تولید متون الخامیادو و پیوندسازی میان زبان‌بومی آراگونی- کاستیلی با عربی برشمرده‌اند (Epalza 1991: 52). درواقع، خوان سگویایی با کمک مددجنه آراگونی و مسلط به زبان عربی به نام عیسی بن جابر، ترجمه‌ای لاتین از قرآن کریم را به دست دادند که نه تنها در حفظ فرهنگ نوشتاری الخامیادو و اسلام مخفیانهٔ Moriscos ha drayinde مؤثر افتاد، بلکه همان‌طور که بیرقی و احمدوند (۱۳۹۴: ۱۱۵) به خوبی اشاره کرده‌اند، «در شناخت غربیان از قرآن کریم و آموزه‌های دین اسلام نیز بی‌تأثیر نبوده است». برخی پژوهشگران بر این عقیده‌اند که دو ترجمه از قرآن در سال ۱۶۰۶، یکی به زبان اسپانیایی- که در کتابخانه پرونسل تولدی^۵ نگهداری می‌شود- و دیگری به زبان الخامیادو، از روی ترجمه عیسی و خوان سگویایی صورت

^۱ نسخه‌های Ms J-68, Ms J-70, Ms J-71, Ms J-97 (محل نگهداری: کتابخانه توماس و ناور).

^۲ برای نمونه، نسخه 232 Ms. از کتابخانه کاستیلیا لمانچا؛ نیز نسخه S-2 Ms. 11/9394، Olim از کتابخانه آکادمی سلطنتی تاریخ در مادرید.

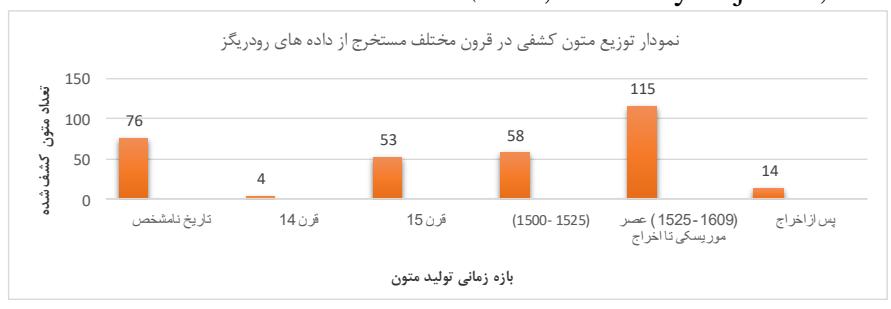
^۳ Breviario Cunní

^۴ Biblioteca Publica Provincial

گرفته است (López-Morillas, 1999: 280- 282). نقش عیسی به عنوان شتاب دهنده این روند در جای خود محفوظ است، اما همان طور که پیشتر گفته شد، این موقعیت جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی منطقه آراغون و کاستیل بوده که در نهایت این ضرورت را تأکید کرده است. درواقع، انحطاط فرهنگی، مذهبی و زبانی و فشارهای محیطی بود که به ترکیب همه این متون منجر شد و دانش رو به نقصان زبان اسلام هم یکی از مظاهر این زوال -هرچند اساسی- بود (Rueter, 2016: 684).

از سوی دیگر، نتایج پژوهش‌های فهرست‌نویسان و محققان در سالهای اخیر و داده‌های دسته‌بندی شده ارائه شده توسط آنها نشانگر آن است که هرچند متون از قرن چهارده و توسط مدجن‌ها به وجود آمدند، اما گستره استفاده از متون الخامیادو در میان موریسک‌ها بیشتر از مدجن‌ها و طغیرین‌ها بوده است؛ یعنی همزمان با اجرای سراسری فرمان تغییر دین در اسپانیا؛ دقیقاً مطابق با نظری که کونتزی^۱ در اوایل سال ۱۹۷۰ ارائه کرده بود مبنی بر اینکه: «با قاطعیت می‌توان گفت اکثر نسخه‌های خطی الخامیادو در نیمه دوم قرن شانزده نوشته شده‌اند» (Kontzi, 1970: 199).

دو نمودار زیر شمار نسخ خطی کشف شده و تعیین تاریخ شده را طی قرون چهارده تا هفده میلادی، از زمان قطعی شروع تولید متون الخامیادو تا بعد از اخراج موریسک‌ها از اسپانیا نشان می‌دهد. داده‌های این دو نمودار براساس پژوهش آماری مفصلی که رودریگر^۲ و وینسنت بارلتا^۳ و باربارا بخارانو^۴ روی متون الخامیادوی به دست آمده انجام داده‌اند، استخراج شده است (Rodríguez, 1989: 1421-1431; Barletta y Bejarano, 2011: 1438).

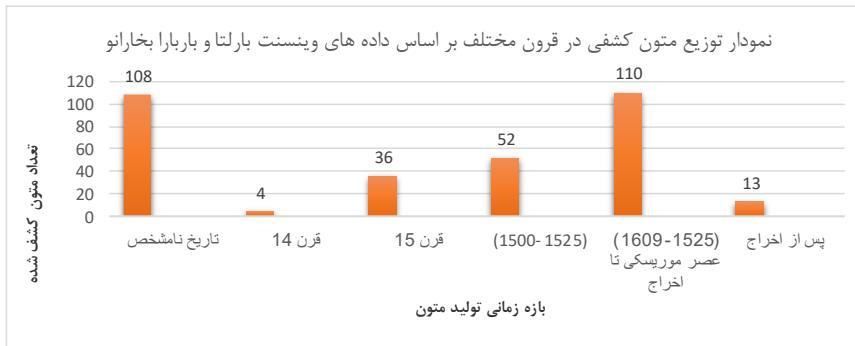


^۱ Kontzi

^۲ Rodríguez

^۳ Vincent Barleta

^۴ Barbara Bejarano



همان طور که از نمودارهای بالا برمی‌آید (بدون در نظر گرفتن متون الخامیادویی که با هیچ یک از روش‌های منبع‌شناسی سن آنها تخمین زده نشده و در نمودارها با «تاریخ نامشخص» نشان داده شده که البته تعداد آنها قابل توجه نیز است)، شمار متون تولیدی در سه ربع پایانی قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم (۱۵۲۵-۱۶۰۹)، یعنی تقریباً پس از اجرای فرمان تغییر مذهب در سراسر اسپانیا و پیش از اخراج کامل مسلمانان (دوره موریسکی)، رشد قابل توجهی داشته است. به نظر می‌رسد شرایط سخت اجتماعی و مذهبی موریسک‌ها، گرایش بیشتر به استفاده از این شیوه نگارش را در پی داشته است؛ یعنی تولیدی که کم‌وپیش سیستماتیک و قراردادی از اواسط قرن چهاردهم آغاز شد، در اواسط قرن شانزدهم به اوج خود رسید و پس از اخراج به یکباره کاهش چشمگیری یافته است.

نکته قابل توجه دیگر این است که برخی متون از قرن هفدهم، پیش از اخراج به دست آمده‌اند که به جای استفاده از حروف عربی، از حروف لاتین برای نگارش آنها استفاده شده است. برای نمونه، می‌توان به نسخ خطی (MS. 232) که در سال ۱۶۰۷ و در بحبوحه اخراج قطعی نگاشته شده و در کتابخانه «کاستیا لمانچا» نگهداری می‌شود و نیز نسخه (MS. 1574) اشاره کرد که یادداشت‌هایی به تاریخ ۱۶۰۳ را در خود دارد و اکنون در کتابخانه ملی الجزایر نگهداری می‌شود؛ و همچنین موارد دیگری از این دست.^۱ به عبارتی، شاید بتوان نتیجه گرفت که در سال‌های پایانی حضور، در میان موریسک‌ها سیستم نوشتن با حروف لاتین آغاز شده که بعدها در

^۱ برای نمونه‌ای دیگر از متون الخامیادو با حروف لاتین، می‌توان به کد MS. 9074 اشاره کرد که محتوای آن علاوه بر موضوعات متفرقه، عذرخواهی موریسکی در برابر قانون مسیحیت بوده و در کتابخانه ملی اسپانیا نگهداری می‌شود.

تبعد و اخراج هم ادامه یافته است.^۱ به نظر می‌رسد با گذر سال‌ها و نزدیک شدن به زمان اخراج نهایی، افزایش آزار و اذیت مذهبی پس از یکسان‌سازی دینی اجباری که به طور حتم خطرات و عواقب جانی شدیدتری برای حمل و نگهداری متون عربی خالص و یا اسپانیایی با حروف عربی (الخامیادو) برای موریسک‌ها در پی داشت، سبب شد تا موریسک‌ها ادامه جریان این پدیده فرهنگی را با نگارش حروف لاتین در پیش بگیرند و عملکرد متفاوتی را در حفظ سیستم قراردادی نگارشی که از قرن چهارده آغاز شده بوده، اتخاذ کنند (Rueter, 2016: 680).

به هر روی، از آنجا که این متون تولیدی با حروف لاتین ادامه همان روند آغاز شده توسط مدجن‌ها در قرن چهاردهم بوده و با اهداف مشابهی تولید می‌شده، در ذیل همان متون الخامیادو دسته‌بندی شده و در آمارها و ارائه نتایج پژوهش‌ها در کنار هم و از یک رسته به شمار آمده‌اند؛ هرچند که برخی پژوهشگران این دست از نوشه‌ها را جزو متون الخامیادو به شمار نمی‌آورند؛ از آن جمله پرسور «لوئیس برنابه پونز» استاد دانشگاه آلیکانته^۲ و متخصص دوره موریسکی است که در گفت‌و‌گوی حضوری بر این نکته تأکید می‌ورزید و بر آن بود که نوشه‌های غیرعربی را نباید جزئی از الخامیادو به شمار آورد. درواقع، از آنجا که این متون به طور اخص به موریسک‌ها منتسباند، برخی پژوهشگران غربی آنها را متون «موریسکی» می‌نامند (Castilla, 2019: 120). از این رو، در برخی پژوهش‌ها عنوان «ادیبات/ متون الخامیادو- موریسکی»^۳ را در کتاب‌هم شاهدیم. تحقیق و پژوهش بیشتر در این باره برای علاقه‌مندان به موضوع پیشنهاد می‌شود.

احتوای متون^۴

متون الخامیادو به صورت مشخص اسلامی‌اند (Sánchez y Rodríguez, 1986: 120)

^۱ مانند دستنوشته با کد 9067 MS. موجود در کتابخانه ملی اسپانیا که بنا بر بررسی‌های تاریخ تولید متن، پس از اخراج موریسک‌ها از اسپانیا، در تونس و البته به زبان لاتین نگاشته شده است.

^۲ Alicante

^۳ La Literatura Aljamiado-Morisco/ Los Manuscritos Aljamiado- Moriscos

^۴. مطالب این قسمت، از تبعی در منابع و استنباط از پژوهش‌های متأخر در این زمینه که در بخش‌های مختلف مقاله به آنها اشاره شده- برای ذکر نمونه: Barletta y Bejarano, 2011 و Rodríguez, 1989- استخراج شده است.

و این در مورد هر سه دوره مودخاری، طغینی و موریسکی صدق می‌کند؛ زیرا به قول برنابه پونز: «ادبیاتی است که چه به صورت تألیف، چه ترجمه و چه نسخه برداری توسط مسلمانان و برای مسلمانان تولید شده است» (Bernabé Pons, 2010: 27). یا به نقل از «اوتمار هگی»^۱ استاد مطالعات اسپانیایی و محقق برجسته در زمینه متون الخامیادو، با تعبیری محقق پسند: «یک نوع اسلامی از اسپانیایی» است (Castilla, 2019: 120).

درباره محتوای نسخه‌های بر جای مانده می‌توان گفت بیشتر این کدها مجموعه برگه‌هایی با موضوعات متفرقه‌اند. یادداشت‌ها و تکبرگه‌های مجزا هم در میان نسخ مکشوفه موجود فراوان است. محتوای بیشتر متون به دست آمده، مذهبی، عبادی، فقهی-کلامی و اخلاقی است که نشان‌دهنده تمایل و نیاز جامعه مصرف کننده به این موضوعات است. به جز یک مورد قرآن کامل به زبان اسپانیایی که در سال ۱۶۰۶ نگاشته شده و از منطقه آراغون به دست آمده^۲ حدود ۲۷٪ از کل نسخه‌ها تنها حاوی برخی سور و آیات قرآن، تفسیر و موضوعات قرآنی است. متون مربوط به دعا و عبادت حدود ۱۹٪ از کدها را به خود اختصاص داده، ۸٪ دست‌نوشته‌ها خطبه‌های مذهبی و حدود ۷٪ از آنها حدیث است. پس از اینها پرشمارترین مطالب مربوط به حرز، طلس و جادوست که آن هم حدود ۷٪ متون را شامل می‌شود، ۵٪ متون کشفی دستور زبان (صرف و نحو) و آموزش الفبای عربی و واژه‌شناسی و ۴٪ موضوعات اخلاقی است. مقوله نماز ۳٪ و احکام نیز ۳٪ از متون را شامل می‌شود. موضوعات دیگر در میان متون الخامیادو که گویای اقبال و نیاز جامعه استفاده کننده به این موضوعات است، شامل موارد زیر است: فصوص الانیاء و حکایات حکما، گفتمان‌های معنوی، جدل (با مسیحیان و یهودیان)، شعر و داستان، متون حقوقی، فرم‌های دفتر اسناد رسمی، فرم‌های قرارداد، آیین‌ها و مراسم، نجوم، تقویم و ماههای اسلامی و مسیحی، طب، نسخ و دستورات پزشکی و بهداشتی، برنامه‌های سفر، سفرنامه، اوراق و نامه‌های شخصی، ادعیه طلب آب و باران و متون - ظاهراً - با گرایش‌های شیعی (ذکر مطالبی درباره علی بن أبي طالب)^۳ و بسیاری موضوعات دیگر.

۱ Ottmar Hegyi

۲ کد 235 Ms. (محل نگهداری: کتابخانه کاستییا لمانچا).

۳ دست کم در نه متون کشف شده اشاراتی به علی(ع) شده است. یکی از این متون با کد Ms. D.565 در کتابخانه‌ای در

با توجه به شواهد به دست آمده از متون و تخمين تاریخ آنها، به نظر می‌رسد در دوران موریسکی گرایش‌های مذهبی، آموزشی و فقهی و نیز تمایل به استفاده از ظلم، جادو و فال بیشتر شده است که به طور حتم می‌توان شرایط سخت مذهبی، اجتماعی و فرهنگی دوره موریسکی و نیاز به پنهان‌کاری‌های فراوان دینی و اجتماعی را در افزایش گرایش به این مقولات دخیل دانست.

نتیجه گیری

الخامیادو نوع خاصی از ادبیات زیرزمینی است که از آخرین مسلمانان ساکن اندلس پس از استرداد مسیحی آن بر جای مانده است. توجه به برخی پارامترها مانند شباهت معنایی و واژگانی الخامیادو با الخاما و الخامیا، خاستگاه و اهداف تولید متون، کاربرد واژه الخامیادو توسط خود تولیدکنندگان متون و بالطبع ضعیف بودن احتمال پذیرش بار تحریرآمیز واژه عجم/ عجمیه از سوی تولیدکنندگان به سبب مغایرت با اهداف مدنظر و نیز توجه به سیستم آوانگاری دقیق در نگارش متون الخامیابی، سبب شده است تا نظریه اشتراق واژه الخامیادو از الاعجمیه، چندان قابل پذیرش نباشد و در کنار آن فرضیه، نسبت واژه الخامیادو با الجامعه هم قابل طرح و بررسی باشد.

بنا بر یافته‌های پژوهش، دوره مدجنی و طفری‌نی که میان دوران حاکمیت اسلامی - با آزادی کامل مذهبی، اجتماعی و سیاسی - و دوران موریسکی - که تحت حاکمیت شدید و چکشی مسیحیان، هرگونه هویت اجتماعی، مذهبی و سیاسی از مسلمانان باقیمانده سلب شده بود - قرار داشته، زمینه‌ساز ایجاد و به کارگیری الخامیادو شد و عیسی سگویایی، نخستین مترجم قرآن به زبان اسپانیایی، تنها نقش شتاب دهنده را در اجرای این پدیده فرهنگی بر عهده داشت.

با وجود آنکه متون الخامیادو توسط علمای مدجن و طفری نهاد الجامعه منطقه آراغون به عنوان راهکاری برای اعلام وجود و استقلال طلبی جامعه‌ای در اقلیت و با هدف پیوند دوباره با زبان عربی شکل گرفت، اما در دوران موریسکی تا پیش از

(Bolonia) بولونیا نگهداری می‌شود که دکتر خوسه کوتیاس استاد دانشگاه الیکانته، آن را مورد بررسی قرار داده است (ن.ک. به: Cutillas, 2012: 49-64).

اخرج قطعی، با رشد تولید و استفاده متون زیرزمینی الخامیادو مواجه‌ایم. گویا این افزایش تولید و مصرف، به سبب جو اختناق شدید حاکم بر جامعه و به تبع آن تلاش مضاعف جوامع موریسکی برای حفظ جان، مال و مذهب خود صورت گرفته است. علاوه بر این، در میان موریسک‌ها تولید متون با گرایش‌های مذهبی، محتواهای آموزشی و نیز تمایل به استفاده از حرز، طلس و جادو با توجه به شرایط حفقان‌آور مذهبی، اجتماعی و فرهنگی و در بی‌آن ضرورت تشدید مخفی‌کاری، افزایش چشمگیری داشته است.

تقریباً در تمام متون تولیدی از آغاز تا انجام، یک سیستم فراردادی یکسان وجود دارد. در بیشتر آنها زبان رومی با نگارش الفبای عربی مورد استفاده قرار می‌گرفته است، اما در اوآخر قرن شانزدهم و نیز اوایل قرن هفدهم، یعنی در انتهای دوره موریسکی با تغییر سیستم نگارشی مواجه هستیم؛ یعنی تمایل به استفاده از حروف لاتین به جای حروف عربی بیشتر شده است. این امر نیز به یقین به سبب افزایش خطرات و چالش‌های حمل و نگهداری هرگونه متن عربی و یا عربی-گونه (الخامیادو) برای جامعه موریسک‌های رو به اخرج در منطقه اسپانیا بوده است.

به هر روی، پدیده الخامیادونگاری تقریباً در مناطق دیگر همراه با مهاجرت، پناهجویی و اخراج موریسک‌ها رواج یافت و در مناطق فروند آمده بومی شد و با ترکیب در زبان‌های مقصد به کار گرفته شد؛ هرچند دوام و عمر آن چندان نبود و به تدریج رو به فراموشی گذاشته شد و در نهایت به نابودی گرایید.

منابع و مأخذ

الف. کتب و مقالات

- احمدوند، عباس و محمدرحیم بیرقی (بهار و تابستان ۱۳۹۴)، «طرح کنترافرنسیا و نقش آن در پیشبرد قرآن‌پژوهی در غرب»، پژوهش دینی، ش. ۳۰، صص ۱۱۹-۱۰۵.
- بوکیل، أسمينة (ربيع الاول ۱۴۳۸)، «مقاربة لأدب الخامیادو: ذلك التراث الأندلسي المنسى؛ دراسة في المصطلح والمصادر»، آفاق الثقافة والتراث، ش. ۹۶، صص ۹۷-۹۰.
- متقی، حسین (بهار ۱۳۹۵)، «اهمیت دستنویس‌های اعجمی در پژوهش‌های تراشی (بررسی موردي سنت کتابت متون کهن یونانی، بوسنیایی و کاستیلی با الفبای عربی)»، کتاب گزار، ش. ۱، صص ۳۴۳-۳۵۸.

- همتی گلیان، عبدالله (بهار ۱۳۸۳)، «مدجّان و موریسکوها در فرهنگ اسپانیا»، *مطالعات اسلامی*، ش. ۶۳، صص ۱۸۷-۲۱۴.
- (۱۳۸۹)، *مدجّان، پژوهشی در تقابل و تعامل اسلام و مسیحیت در اسپانیا*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

ب. منابع لاتین

- Barletta, Vincent Addenda y Ruiz Bejarano Barbara (2011), “Relación de Manuscritos Aljamiados Conocidos”, *Index MSS Aljamiados - Working Paper*, Valencia: [https://www.academia.edu/1651695/Index MSS Aljamiados - Working paper](https://www.academia.edu/1651695/Index_MSS_Aljamiados_-Working_paper), accessed 2022.
- Bejarano, Ruiz, Barbara (2015), *Praxis Islámica de los Musulmanes Aragoneses a Partir del Corpus Aljamiado-Morisco y su Confrontación con Otras Fuentes Contemporáneas*, Dirigida por el: Luis F. Pons, Alicante.
- Bernabé Pons, Luis. F. (2010), “Los Manuscritos Aljamiados Como Textos Islámicos”, In Alfredo Mateos Paramio and Juan Carlos Villaverde (eds), *Memoria de los Moriscos. Escritos y Relatos de Una Diáspora Cultural [Memory of the Moriscos, Writings and Stories of A Cultural Diaspora]*, pp.27–44.
- Castilla, M. D, Nuria (2014): “The Copyists and their Texts. The Morisco Translations of the Qur'an in the Tomás Navarro Tomás Library (CSIC, Madrid)”, *Al-Qantara*, vol.35, no.2, pp.493-525.
- -----, (2019), “Uses And Written Practices In Aljamiado Manuscripts”, *Creating Standards: Interactions with Arabic script in 12 manuscript cultures*, edited by Dmitry Bondarev, Alessandro Gori and Lameen Souag, Berlin, Boston: De Gruyter, pp. 111-130.
- Cebrián, J. A. (2003), *La Cruzada del Sur: La Reconquista: De Covadonga a la Toma de Granada*, La Esfera de los Libros Sl.
- Cervantes, Miguel D. (1997), *Don Quijote de la Mancha*, Centro Virtual Cervantes, Instituto Cervantes, 1997-2022, Reservados todos los derechos, cvc@cervantes.es Cvc. «Don Quijote de la Mancha». Primera Parte. Capítulo IX (1 De 2). (Cervantes. Es), accessed 2022.
- Cervera Fras, M. J. (1989), “Mudéjares y moriscos en la sociedad aragonesa”, *Historia de Aragón(Economía y sociedad)*, Vol. 2, pp. 363-370.

- Chejne, Anwar. G. (1983), *Islam and The West: The Moriscos: A Cultural and Social History*, Albany. N. Y, State University of NewYork Press.
- Cutillas, José F. (2012), “Political Plots, Espionage, and a Shi'a Text among the Moriscos”, *Journal of Shi'a Islamic Studies*, vol.5, no.1, pp. 49-64.
- Epalza, Mikel. D. (1992), *Los Moriscos Antes y Después de la Expulsión*, Editorial Mapfre Madrid.
- Fertin, Brisville. O. (2016): “Aljamía O Aljamiado?”, Esbozo de Caracterización Sociolingüística de la Variedad Aljamiada, *Atalaya*. <https://journals.openedition.org/atalaya/1791>, Accessed 24/02/ 2022.
- Fuentes, Á. G. D. (1998), *Los Manuscritos Aljamiado-Moriscos de la Biblioteca de la Real Academia de la Historia: (Legado Pascual de Gayangos)*, Real Academia de la Historia.
- Guillén Robles, Francisco (1889), *Catálogo de los Manuscritos Árabes Existentes en la Biblioteca Nacional de Madrid*, Madrid: Manuel Tello.
- Harvey, Leonard Patric (2005), *Muslims in Spain, 1500 to 1614*, Chicago and London: The university of chicago press.
- Kontzi, R. (1970), “Aspectos del Estudio de Textos Aljamiados”, *Thesaurus: Boletín del Instituto Caro y Cuervo*, vol.25, no. 2-3, pp.196-213.
- Labarta, A. y. y M. G.Arenal (1981). “Algunos Fragmentos Aljamiados del Proceso Inquisitorial Contra Yuçe de la Vaçía, Alfaquí de la Villa de Molina (1495)”, *Nueva Revista de Filología Hispánica*, vol.30, no.1, pp.127-142.
- Lévi-Provençal, E. y Harvey, L. P. (1960), “Aljamía”, In: *Encyclopaedia of Islam*, Second Edition, Edited By: P. Bearman, Th. Bianquis, C. E. Bosworth, E. Van Donzel, W. P. Heinrichs, Consulted Online on 24 January 2022 , Http: //Dx. Doi. Org/10. 1163/1573-3912 Islam Sim 0548 .
- Lexico, Powered By Oxford Dictionary, “Tagarino”, TAGARINO | Definition of TAGARINO by Oxford Dictionary on Lexico.com also meaning of TAGARINO, Accessed 24/02/ 2022.
- López-Morillas, C. (1999), “Lost And Found? Yça Of Segovia and the Qur'an Among the Mudejars and Moriscos”, *Journal of Islamic Studies*, vol.10, no.3, pp. 277-292.
- Martorell, Joanot (1974), *Tirant lo Blanc* [1490], Castilian Translation in 1511,

- ed: By Martín de Riquer, Madrid: Espasa-Calpe.
- MS 232, Toledo, Biblioteca de Castilla y La Mancha.
 - Ms 5354, Toledo, Biblioteca de Castilla y La Mancha.
 - Ms J-68, Madrid, Biblioteca Tomás Navarro Tomás (CSIC)- (Biblioteca de la Junta).
 - Ms J-70, Madrid, Biblioteca Tomás Navarro Tomás (CSIC)- (Biblioteca de la Junta).
 - Ms J-71, Madrid, Biblioteca Tomás Navarro Tomás (CSIC)- (Biblioteca de la Junta).
 - Ms J-89, Madrid, Biblioteca Tomás Navarro Tomás (CSIC)- (Biblioteca de la Junta).
 - Ms J-97, Madrid, Biblioteca Tomás Navarro Tomás (CSIC)- (Biblioteca de la Junta).
 - Ms. 1. 880, El Escorial, Biblioteca de San Lorenzo de El Escorial.
 - Ms. 11/9394, Olim S-2, Madrid, Biblioteca de la Real Academia de la Historia.
 - Ms. 4870, Madrid, Biblioteca Nacional de España.
 - Ms. 4886, Madrid, Biblioteca Nacional de España.
 - Ms. 9067, Madrid, Biblioteca Nacional de España.
 - Ms. 9074, Madrid, Biblioteca Nacional de España.
 - Ms. B (Est. p. tab. V, nº 2), Zaragoza, Colegio Escuelas Pías o de Padres Escolapios.
 - Ms. D.565, Bolonia, Biblioteca della Università.
 - Ms. Res. 245, Madrid, Biblioteca Nacional de España.
 - Onceno, Alfonso (1863), *Poema Alfonso Onceno, Rey de Castilla y de Leon*, Manuscrito del Siglo XIV, Publicado por Vez Primera de Orden de su Majestad la Reina con Noticias y Observaciones de Florencio Janer, Madrid, Impreso por Don Manuel Rivadeneyra.
 - Real Academia Española (RAE), “Tagarino”, *Diccionario de la Lengua Española*, 23. ^a ed, Versión 23. 5 En Línea, [Https://Dle.Rae.Es/Tagarino](https://dle.rae.es/Tagarino), Accessed 24/02/2022.
 - Real Academia Española (RAE): *Diccionario de la Lengua Española*, "Aljama", 23. ^a ed., Versión 23. 5 en Línea. [Https://Dle.Rae.Es/Aljama](https://dle.rae.es/Aljama) ,Accessed 24/02/2022.

- Real Academia Española (RAE): *Diccionario de la Lengua Española, "Aljamía"*, 23.ª ed., Versión 23.5 en Línea. <Https://Dle.Rae.Es/Aljam%C3%Ada?M=Form>, Accessed 24/02/2022].
- Ribera, Julián y Miguel Asin (1912), *Manuscritos Árabes y Aljamiados de la Biblioteca de la Junta*, Junta para la Ampliación de Estudios e Investigaciones Científicas, Madrid.
- Rodríguez, A. V. (1989), “Una aproximación a la datación de los manuscritos aljamiado-moriscos”, *Estudios románicos*, no.5, pp.1419-1439.
- Rueter, M. (2016), “Of Morisco Memes and Prophecies”, *Ehumanista: Journal of Iberian Studies*, pp.677-696.
- Saavedra Moragas, Eduardo (1878), *Discursos Leídos Ante la Real Academia Española en la Recepción Pública del Excmo. Señor Eduardo Saavedra el 29 de Diciembre de 1878*, La Compañía de Impresores y Libreros.
- ----- (1889), “Índice General de la Literatura Aljamiada”, *Memorias de la Real Academia Española*, vol.6, pp.140-328.
- Sala, Marius and Posner, Rebecca (2021), "Romance Languages". *Encyclopedia Britannica*.
- Sánchez Álvarez, Mercedes y Antonio Vespertino Rodríguez (1986), “Algunas Observaciones Sobre la Lengua de los Moriscos”, En Abdeljalil Temimi (ed), *Actes de la Première Table Ronde du C. I. E. M. Sur la Littérature Aljamiadomorisque, Hybridisme Linguistique et Univers Discursif*, Túnez: Centre de Recherches en Bibliothéconomie et Sciences Del’information.
- Vélez de Guevara, Luis (2010), *La mayor desgracia de Carlos Quinto, y hechicerías de Arge*, Biblioteca Nacional, original publish en Çaragoça, por Diego Dormer, a costa de Iusepe Ginobart (1633).
- Whitehead, Frederick y Eugène Vinaver (2019), “romance”, *Encyclopedia Britannica*, <https://www.britannica.com/art/romance-literature-and-performance>.

List of sources with English Handwriting (Transliteration)

- Ahmadwand, Abbās wa Muḥammad Rahīm Biyraqī (spring and summer 2014), " Ṭarḥ-i Cuntrāfransīa (contraference) wa Naqsh-i ān dar Pīshburd-i Qurān Pajūhī dar Ghārb", *Pajūhish-i Dīnī*, Vol. 30, pp. 105-119.
- Būkiyl, 'Amīna (Rabī' 1438), "Muqāraba l-i-'Adab Aljāmīado: dhālik al-Turāth

- al-Andalusī al-Mansī; *Darāsa fī l-Muṣṭalaḥ wa l-Maṣādir*", *Âfāq l-Thaqāfa wa l-turāth*, vol. 96, pp. 97-109.
- Muttaqī, Hussian (Spring 2016), "Ahammīyyat-i Dast-niwişt-i-hā-yi 'Ajamī dar Pajūhish-hā-yi turāthī (Barrisī-yi muridī sunnat-i Kitabat-i mutūn-i Kuhan-i Yūnānī, Busnīyāyī wa Cāstīlī bā 'alifbā-yi 'Arabī)", *Kitāb-i Guzār*, vol. 1, pp. 343-358.
 - Himmatī Gulīyān, 'Abdullāh (Spring 2013), " Mudajjinān wa murīscu-hā dar Farhang-i Spānīyā", *Muṭāli'at-i Islāmī*, vol. 63, pp. 187-214.
 - ----- (1389), *Mudajjinān, pajūhishī dar taqabul wa ta'amul-i Islam wa Masīhiyat dar Ispānīa*, Mashhad, Bunyād-i Āstān-i Quds-i Rađawī.